

**بیانیه مشترک**  
**بمناسبت سالروز ۲۵ نوامبر**  
**مسبب خشونت علیه زنان نظام طبقاتی مبتنی بر خشونت است!**

---

قتل فجیع خواهران میرابل توسط عوامل رافائلو تروخیو، در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۰ صورت گرفت. در این روز، وقتی پاتریا، ماریا و آنتونیا میرابل به ملاقات همسران زندانی شان می رفتند، در مسیر راه با شلیک گلوله مزدوران دیکتاتور دومنیکن کشته شدند. قتل فجیع خواهران میرابل، خشم و نفرت عمومی را علیه رافائلو تروخیو دیکتاتور دومنیکن برانگیخت و تاثیر شگرفی بر عزم و اراده مبارزاتی زنان آمریکای لاتین گذاشت. سازمانهای مدافع حقوق زنان آمریکای لاتین و حوزه کارائیب در سال ۱۹۸۱ روز ۲۵ نوامبر را روز یادمان خواهران میرابل اعلام کردند. ۱۸ سال بعد، در سال ۱۹۹۹ سازمان ملل متحد نیز با صدور بیانیه و قطعنامه ای روز ۲۵ نوامبر را، "روز جهانی منع خشونت علیه زنان" نامگذاری کرد. در قطعنامه سازمان ملل، در تعریف "خشونت" آمده است: "هر اقدامی علیه زنان که بر مبنای جنسیت صورت گیرد و موجب صدمات جسمی، جنسی و روانی و یا موجب رنج شان گردد، یا بتواند موجب این صدمات شود، اقدامی خشونت آمیز علیه زنان است. همچنین، هر امری که به زنان تحمیل شود و آزادی آنان را خودسرانه سلب کند، چه در اماکن عمومی و چه در محدوده خصوصی، مصداق بارز خشونت علیه زنان است."

در دو دهه گذشته و بدنبال صدور این قطعنامه، سازمان های دولتی و نهادهای مختلف زنان کنفرانس های متعددی پیرامون خشونت علیه زنان برگزار کرده و کمپین های مختلفی سازمان داده اند. نتیجه اما بشدت تاسف باراست، هر سال به آمار خشونت و تجاوز جنسی و قتل زنان و آزار جنسی افزوده می شود. خشونت در قانون و بنیادهای جامعه، در فرهنگ و ایدئولوژی و سنت و مناسبات اجتماعی جایگیر شده است. خشونت علیه روان و شخصیت زن، خشونت کلامی، خشونت در آموزش و پرورش و محیط تحصیل، خشونت در بازار کار، خشونت در چهاردیواری و روابط خصوصی و از هر منفذ جامعه بیداد می کند. خشونت امری صرفا مردانه نیست، خشونت زنانه و مادرانه هم بوفور وجود دارد. جنگ و فقر از عوامل مهم خشونت هستند. زنان و کودکان بیشتر از مردان قربانی خشونت در جنگ هائی هستند که خود سهمی در آن نداشتند. فقر، شخصیت افراد را خرد می کند، احترام افراد را پائین می آورد، خشونت نسبت به آنان را صد چندان می کند. تجاوز گروهی در خیلی کشورها و مناطق به امری عادی بدل شده است. بعنوان مثال تن فروشی پدیده ای قدیمی است، اما در جوامع کنونی در هیئت یک صنعت پرسود و بسیار خشن گسترش یافته است. در دنیای امروز قاچاق زنان و کودکان و مسئله بردگی جنسی یک معضل لاینحل است. باندهای قاچاق انسان، زنان و کودکان بخت برگشته را چون مواد مخدر به این سو و آن سوی جهان و به بازارهای برده فروشی منتقل می کنند. مهاجرت نیز عامل بسیاری از خشونت های گسترده است.

خشونت بطور عموم و خشونت علیه زن بطور اخص، یک پدیده اجتماعی است، دلایل اقتصادی و سیاسی دارد. خشونت، خروجی مناسبات نابرابر اجتماعی است که خود را در همه اشکال و ظرفیت ها نشان می دهد. جامعه ای که براساس نابرابری، تبعیض وحشیانه، بی عدالتی و استثمار فرد از فرد سازمان

داده شده است، نمی تواند عاری از خشونت باشد. بردگی مزدی و نظام سرمایه داری مینا و علت پایه ای خشونت است. از اینجاست که کوه ثروت از یکسو و دره فقر از سوی دیگر دهان می گشاید، نابرابری و تبعیض در مغز استخوان مناسبات انسان ها جاخوش می کند، قوانین و فرهنگ منحط مردسالار و نگرش تبعیض گر جان می گیرند. در این چهارچوب است که بالا به پائین زور می گوید، دولت به شهروند، سرمایه دار به کارگر، مرد به زن، رئیس خانواده به افراد خانواده، مادر و پدر به فرزند، و هر کسی که دستش می رسد دیگری را زیر می گیرد. در جامعه ای که دزدان و ریاکاران صاحب قدرت و عالینجاب اند و مردم کارگر و زحمتکش حتی بحساب نمی آیند، وجود خشونت امری طبیعی است. این مناسبات نابرابر برای ادامه حیات خود فقط به خشونت فیزیکی متوسل نمی شود بلکه به ایدئولوژی توجیه گر وضع موجود نیز نیاز دارد. باید قربانیان خشونت قبول کنند که شرایط مشقت بارشان "طبیعی" است.

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اما خشونت بنیادی سرمایه داری علیه جسم و روان انسان ها با مذهب ترکیب شده و سرنوشت فاجعه باری برای زنان رقم خورده است. در ایران مبارزه با خشونت علیه زنان با مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی گره خورده است. جمهوری اسلامی، رژیم سرکوبگر، زن ستیز و مروج خشونت دولتی در تمام ابعاد جامعه است. در جمهوری اسلامی، اگرچه عموم زنان زیر مهمیز خشونت های دولتی قرار دارند، اما زنان کارگر همواره در گستره ای وسیعتر و با اشکال متنوع تری از نابرابری و تبعیض و خشونت مواجه هستند. جمهوری اسلامی، به پشتوانه احکام ضد انسانی فقه و دین و شریعت، خشونت علیه زنان را به آشکارترین وجه ممکن در جامعه نهادینه کرده است. از این رو، مسئله خشونت علیه زنان در ایران، پیش از هر چیز یک مسئله سیاسی است، که ارتباطی تنگاتنگ با نقش اصلی جمهوری اسلامی به عنوان یک دولت دینی زن ستیز مبلغ و مروج نابرابری و تبعیض علیه زنان دارد. یک رژیم دیکتاتوری عریان که حامی و مشوق اعمال خشونت علیه زنان است. دولتی سرکوبگر و پاسدار و مروج خانواده اسلامی، لذا، بدون تسویه حساب کامل با این دولت سرمایه داری و دینی حاکم بر ایران، هرگونه ادعایی در مورد مبارزه با خشونت علیه زنان پوچ و فاقد ارزش است. جمهوری اسلامی، فقط حامی و پاسدار اعمال خشونت مردان بر زنان در چهار دیواری خانواده مردسالار نیست. این رژیم، تمام نیروی سرکوب خود را در کوچه و خیابان، شهر و روستا، مدرسه و دانشگاه، محل کار و محیط زندگی به کار گرفته است تا قوانین زن ستیز و مقررات تبعیض آمیز خود را بر زنان اعمال کند. پلیس، گله های حزب الهی و اوباشان اسید پاش جمهوری اسلامی در همه جا مامور اعمال خشونت بر زنان هستند.

زنان و مردان برابری طلب، انسان های آزاده!

اگر در دومنیکن، فقط قتل خواهران میرابل - که روز جهانی منع خشونت علیه زنان با یاد و خاطره آنان پدید آمد - موجب قیام و سرنگونی دیکتاتور دومنیکن شد، در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی چرا چنین اتفاقی صورت نگیرد. در ایران، صدها زن به دلیل مخالفت با حجاب اجباری، فعالیت سیاسی و مبارزه با نابرابری و تبعیض جنسیتی به قتل رسیده اند. زنان بسیاری با اسید پاشی مزدوران جمهوری اسلامی، زندگی شان به تباهی رفته است. زنان زیادی به دلیل فعالیت سیاسی بازداشت و در زندان های جمهوری اسلامی مورد تجاوز قرار گرفته و سپس به قتل رسیده اند. خشونت در ذات جمهوری اسلامی نهفته است. جمهوری ضد زن اسلامی را باید سرنگون کرد. میلیون ها زن آزادیخواه و خواهان رفع تبعیض و نابرابری، در صف اول این مبارزه انقلابی قرار دارند.

## زنان و مردان برابری طلب، انسان های آزاده!

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، با اعتقاد به اینکه ریشه تبعیض و نابرابری علیه زنان در نظام های طبقاتی است و رفع واقعی ستم، نابرابری و خشونت علیه زنان، تنها با بر افتادن نظم طبقاتی سرمایه داری و استقرار یک نظام سوسیالیستی مبتنی بر برابری کامل تمام انسان ها متحقق می شود، در عین حال از هر مبارزه واقعی، برای تغییر قوانین بنفع زنان، حتا در همین نظام به شدت زن ستیز سرمایه داری جمهوری اسلامی دفاع و برای تحقق آن مبارزه می کند. مبارزه علیه خشونت نسبت به زنان، بخشی از مبارزه برای ایجاد جامعه ای آزاد و برابر و عاری از هر نوع تبعیض و خشونت است. برای ریشه کن کردن خشونت، باید برای هر ذره بهبود و برابری مبارزه کرد. اما پوشیده نیست با بودن و استمرار مناسبات و نظام نابرابر و ضد انسانی سرمایه داری، خشونت در اشکال و ابعاد مختلف از جمله خشونت علیه زنان و قتل و جنایت نیز استمرار خواهد داشت. لذا، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست همه زنان و مردان برابری طلب و انسان های آزاده را برای مبارزه ای پیگیر جهت سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان فرا می خواند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۲ آذر ۱۳۹۹ - ۲۲ نوامبر ۲۰۲۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.